

Mitrevkelti-stallak Yahya b. Saif fundation
Behran

الأثمار في فقه الأئمة الأطهار

132757

للإمام المتوكل على الله يحيى شرف الدين بن شمس الدين المتوفى سنة ٩٦٥ هـ .
(أئمة اليمن لزبارة : ٦٠٣ ، ومصادر الفكر العربي الإسلامي : ٦٠٣) خ جامع صنعاء ٢٩٤ وأخرى برقم
٣٦٤ وثالثة برقم ١١٧ فقه (مصادر الفكر العربي الإسلامي : ٦٠٤) .

خ جامعة صنعاء ٤٢٥ .

صالح بن الصديق النمازي المتوفى سنة

٩٧٥ هـ (مصادر الفكر العربي الإسلامي :

(٢١٢) .

— الأثمار المتدفقة من رياض الأثمار المقتطفة من

الأزهار

خ جامع صنعاء ٧٣ والأمبروزيانا ١٠٣ .

يحيى بن محمد بن حسن بن حميد المقرائي

الحارثي المذحجي المتوفى سنة ٩٩٠ هـ (البدر

الطالع ٢ : ٣٤١ ، مصادر الفكر العربي

الإسلامي : ٢١٤) .

١ — الوايل المغزار المطعم لأثمار الأزهار خ جامع

صنعاء ٧٩ و٤٠٨ ونسخ أخرى .

٢ — فتح الغفار المفتاح لمقننات الأثمار خ جامع

صنعاء ٩٠ .

٣ — الشموس والأقمار من أفق فتح الغفار شرح

الأثمار خ جامع صنعاء .

٤ — فتح الأزرار على مخبآت الأثمار .

أحمد بن عز الدين بن الحسن اليميني المتوفى سنة

٩٤١ هـ (مصادر الفكر العربي الإسلامي :

(٢٠٩) .

— أسئلة على خطبة الأثمار .

محمد بن يحيى بهران الصعدي اليميني المتوفى

سنة ٩٥٧ هـ (مصادر الفكر العربي الإسلامي :

(٢١٠) .

— تفتيح القلوب والأبصار للاهتمام إلى كيفية

اقتطاف الأثمار

خ جامع ٣٧٦ ورقم ٣٤٨ .

علي بن عبد الله راوع اليميني المتوفى سنة ٩٥٩ هـ

(البدر الطالع ١ : ٤٧ ، مصادر الفكر

العربي الإسلامي : ٢١١) .

— شرح الأثمار .

الحسن بن محمد الزريقي المتوفى سنة ٩٦٠ هـ

(مصادر الفكر العربي الإسلامي : ٢١١) .

— حاشية على كتاب الأثمار .

عبد الله بن يحيى شرف الدين المتوفى سنة

٩٧٣ هـ (مصادر الفكر العربي الإسلامي :

(٢١٢) .

— تلقيح الأفكار شرح خطبة الأثمار

J- Mutevakkil - Alellah Yahya b. Sa'ad
- Behran

القصص الحق في مدح سيد الخلق

للإمام المتوكل على الله يحيى شرف الدين المتوفى سنة ٩٦٥هـ (سبق في الأثمار).
قصيدة أولها:

لكم من الحب صافيه ووافيه
ومن هوى القلب باديه وخافيه
أنتم حلول فؤادي وهو يبتكمو
تحققو من فؤاد الصب حبكمو
فشرح ذلك لا يسطاع من فيه
وصاحب الدار أدري بالذي فيه

عبد لله بن يحيى شرف الدين المتوفى سنة
٩٧٣هـ (مصادر الفكر العربي الإسلامي):
(١٥).

— فتح العلي الحق بشرح القصص الحق
خ جامع صنعاء.

عثمان بن علي بن محمد بن عبد الله الوزير
المتوفى سنة ١١٣٠هـ (مصادر الفكر العربي
الإسلامي: ٨٦).

— انتهاز الفرص شرح القصص
خ جامع صنعاء ٢ مجاميع.

✓ محمد بن يحيى بهران الصعدي المتوفى سنة
٩٥٧هـ (سبق).

— إيتسام البرق المتألق بشرح القصص الحق
خ جامع صنعاء ١٠٢. طبع في بيروت
سنة ١٣٩٤.

محمد بن أبي بكر المقرئ الحرازي المتوفى بعد
سنة ٩٦٥هـ (مصادر الفكر العربي
الإسلامي).

— شرح القصص الحق
خ جامع صنعاء ٣٢ وأخرى برقم ٢٣
نحو.

آغاز ۹۵۴ و با حمله عثمانی‌ها به یمن، امام شرف‌الدین که همواره فعالیت‌های علمی و مذهبی را برای پرداختن به نیازهای امت تشویق می‌کرد، اختیار امامت را به دست پسرش المطهر که طی جنگ‌های پیشین شایستگی خود را نشان داده بود سپرد، زیرا در این زمان یمن به سردار نظامی بیشتر نیاز داشت تا به فقیه. وی پس از کناره‌گیری از امامت و در اواخر عمرش به ظفیر هجرت کرد و در اثر طاعون درگذشت.

منابع: *الأعلام*، ۲۷۴/۵؛ *تاریخ الیمن السیاسی فی العصر الاسلامی*، حسن سلیمان محمود، ۲۶۵؛ *تاریخ الیمن الثقافی*، احمد حسین شرف‌الدین، ۲۶۷/۴؛ *الزیدیة*، احمد محمود صبحی، ۵۹۵.

J.R. Blackburn, "Al-Mutawakkil Ala Llah", *Encyclopedia of Islam*, vol. 7, p. 779.

زهره صالحی روش

MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN

متولد، مفهومی کلامی به معنای فعلی که با واسطه فعل دیگر صورت می‌گیرد. متکلمان میان فعلی که بدون واسطه انجام می‌گیرد، همچون فکر و اراده (فعل مباشر)، و فعلی که با واسطه فعل دیگر انجام می‌گیرد، مانند تیری که رها شده و سبب مرگ دیگری می‌شود (فعل متولد)، تمایز قایل شده و درباره فاعل افعال متولد بحث کرده‌اند. نخستین متکلمی که این مسئله را صورت‌بندی کرد بشر بن معتمر بود که البته دیدگاهی افراطی در این باره داشت. از دیدگاه وی حتی رنگ‌ها، بوها و مزه‌هایی که در اثر آمیختن چند ماده به وجود می‌آید فعل انسان است. البته وی تنها متولداتی را که انسان آگاهانه پدید آورد فعل انسان می‌دانست. بحث فعل متولد و فاعل آن در تاریخ کلام از مباحث مناقشه‌برانگیز بوده و بسیاری از متکلمان امامی و معتزلی، به‌رغم اختلاف در تفسیرهای‌شان از آن، افعال متولد را نیز همچون افعال مباشر، فعل انسان می‌دانند. البته گروهی از معتزله و اشاعره و نیز بعضی از متکلمان متقدم شیعی با این نظریه مخالفت کرده‌اند. متکلمان همچنین درباره توبه از فعل متولد نیز بحث کرده‌اند. به عقیده قاضی عبدالجبار، اگر فردی فعل قبیحی انجام دهد که آن فعل خود علت باشد برای فعل قبیح دیگری، قبل از آنکه معلول (متولد) حادث شود، دو توبه لازم است؛ یک توبه از علت که قبیح است و توبه دیگر برای آنکه مولد قبیح دیگر (معلول) است و از آنجا که معلول هنوز

مرکز خلافت از بغداد به دمشق منتقل شد، ولی از آنجا که آب و هوای دمشق با مزاج متوکل سازگار نبود پس از دو ماه به سامرا بازگشت. از دیگر کارهای وی ساختن متوکلیه در بغداد بود که اموال فراوانی صرف آن کرد و خود بدانجا رفت و در همانجا نیز کشته شد. در ذیحجه ۲۳۵ متوکل سه فرزند خویش محمد، زبیر و ابراهیم را به ترتیب جانشین خود ساخت و نخستین را متصر، دومین را معتز و سومین را مؤید لقب داد و مقرر ساخت که پس از وی متصر، سپس معتز و در نهایت مؤید زمام خلافت را به دست گیرند. اما در اواخر عمر از رأی خویش بازگشت و گویا تصمیم گرفت متصر و فرماندهان ترک را به قتل رساند، ولی فرماندهان پیش‌دستی کردند و وی را با وزیرش فتح‌بن خاقان کشتند.

منابع: *آفرینش و تاریخ*، ۹۷۸-۹۸۰؛ *الأعلام*، ۱۲۷/۲؛ *الکامل*، ۳۳۷-۳۴، ۵۵-۵۶؛ *تاریخ الخلفاء*، ۳۲۲؛ *تاریخ الطبری*، ۳۱۲/۵، ۳۹۵؛ *تجارب الأمم*، ۲۹۸-۲۹۹؛ *مروج الذهب*، ۲۰۷/۷-۲۰۹؛ *مقاتل الطالبین*، ترجمه، ۵۵۱-۵۵۲.

متوکل علی‌الله، شرف‌الدین یحیی از امامان زیدیه یمن (۸۷۷/۸۲۵-۹۶۵ ق). بعد از مرگ پدرش در جبال صنعا به امامت رسید و چند بار با ترکان کارزار کرد و بر قبایل فراوانی حکومت کرد. وی مردی فقیه و دانشمند بود و در ظفیر و صنعا نزد دانشمندان یمن و از جمله پدرش شمس‌الدین درس خواند. کتاب‌های بسیاری به نگارش درآورد، از جمله *بحر الزخار* در اصول فقه زیدیه. در زمان وی نخستین بار ترکان عثمانی در یمن مستقر شدند. وی در جمادی‌الاول ۹۱۲ دعوی امامت کرد. شرف‌الدین بعد از سال‌ها مطالعه به عنوان مجتهد زیدیه شناخته می‌شد، با این حال، پیش از اینکه قادر باشد مرجعیت سیاسی و مذهبی خود را بر جوامع زیدی خصوصاً اتحاد قبیله‌ای شمالی متخاصم آل‌محمود (آل‌حمزه) و آل مؤید تحمیل کند، با کمک پسرانش خصوصاً فرزند ارشدش المطهر موفق به اتحاد مجدد زیدیان و احیاء تفوق و سلطه امامت بعد از دوره طولانی انحطاط شد. او سرزمین‌های اصلی جنوبی و سرزمین تهامة شمالی را از سلسله سنی طاهریان (۸۵۸-۹۲۲) و از ممالیک مصری که در تیامة جنوبی مستقر بودند بازپس گرفت و دوباره نفوذ و تسلط زیدیان را بر این سرزمین‌ها برقرار کرد. مقارن ۹۵۳ یا